

# مورخ ۷ ژانویه ۱۹۱۳ در مجلس اسپرانتیستهای ادینبورگ: درباره تمسک به وسایل ایجاد اتحاد و اهمیت لسان عمومی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ ۷ ژانویه ۱۹۱۳ در مجلس اسپرانتیستهای  
ادینبورگ:

درباره تمسک به وسایل ایجاد اتحاد و اهمیت لسان عمومی<sup>1</sup>

(خطابات جلد سوم، ص. ۹۰-۹۳)

از احساسات وجدانیّه مسترها خیلی ممنوم. فی الحقیقه آنچه فرمودند، ستایش خود ایشان است، زیرا دلیل بر احساسات فاضلانه بود، دلیل بر علوّ همت و انتشار لسان اسپرانتو بود و این سبب سرور عموم است، چرا که هر چه در عالم انسانی سبب اتحاد شود، مفید است و هر چه سبب اختلاف و تفریق، مضرّ است. این قرن نورانی است، اکتشافاتش بسیار است، اختراعاتش بسیار و مشروعاتش بسیار و به سبب این آثار، از سائر قرون ممتاز و اعظم مشروع این قرن، وحدت عالم انسانی است.

<sup>1</sup> خطابه در مجلس اسپرانتیستهای ادینبورگ اسکاتلند



ORIGINAL



AUDIO

و همچنین وحدت لسان سبب الفت بین قلوب است، سبب حصول اتحاد است، سبب زوال سوء تفاهم است، سبب ظهور حقیقت است و سبب محبت جمیع بشر است و سبب تفهیم و تفهّم است که اهمّ امور در عالم انسانی است. هر فردی از افراد بشر به جهت وحدت لسان می تواند بر افکار عموم بشر اطلاع یابد، به سبب وحدت لسان انسان می تواند به اسرار قرون ماضیه مطلع شود و به کمال سهولت تحصیل علوم و فنون موجوده کند. زیرا در مدارس شرق و غرب اهالی باید چند سال زحمت بکشند تا تحصیل السن نمایند. اول باید چهار سال تحصیل لسان نمایند تا مباشرت به علم کنند. مثلاً شخصی از اهل هند یا ایران و ترکستان و عربستان بخواهد تحصیل فنّ طبّ نماید، باید اول چهار سال تحصیل لسان انگلیسی کند، تا مباشرت به تحصیل طبّ نماید، لکن کسی لسان عمومی داشته باشد، در صغر سنّ آن لسان را تحصیل کند بعد بهر مملکتی رود بدو به تحصیل علوم مشغول شود. و امروز اگر نفسی ده زبان داشته باشد باز محتاج لسان دیگر است، اما اگر لسان عمومی باشد چقدر آسان می شود. فی الحقیقه نصف حیات بشر باید به تحصیل لسان صرف شود. هر کس بخواهد در یکی از قطعات عالم سفر کند، باید ده لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصیل ده لسان یک عمر می خواهد. اما یک لسان عمومی، انسان را از همه این مشقّت ها راحت می کند. خلاصه تفهیم و تفهّم منوط به لسان واحد است. باید تلهید و معلّم وحدت لسان داشته باشند تا تفهیم و تفهّم حاصل شود، چه که در عالم انسان امری اعظم از تفهیم و تفهّم نیست. تربیت صحیح منوط به تفهیم و تفهّم است، تعلیم علوم منوط به این است و این است سبب تحصیل معارف عمومی و به این سبب انسان از هر امری واقف شود. پس اگر وحدت لسان باشد، جمیع افراد بشر به آسانی یکدیگر تفهیم نمایند.

حکایت کنند که دو نفر دوست بودند که لسان یکدیگر را نمی دانستند یکی بیمار شد، دیگری به عیادت او رفت. رفیق از مریض پرسید به اشاره که چطوری؟ جواب داد مردم. ولی رفیق چنین فهمید که می گوید بهترم. گفت الحمد لله. باز به اشاره پرسید چه خوردی؟ جواب داد زهر. گفت شفای عاجل است. باز پرسید حکیم تو کیست؟ جواب داد عزرائیل. گفت قدمش مبارک است. شخص ثالث که زبان هر دو را می دانست به رفیق گفت، میدانی چه جواب می دهی؟ گفت چون من چنین گمان کردم که می گوید بهترم، گفتم الحمد لله می گوید، فلان دوا خوردم، گفتم شفای عاجل است؛ می گوید حکیم من فلان کس است، لهذا گفتم قدمش مبارک است. بعد چون فهمید به عکس جواب داده خیلی محزون شد. و این حکایت را نوع دیگر مثنوی بیان می کند مقصود یکیست. خلاصه هیچ چیز بهتر از تفهیم و تفهّم نیست و هیچ چیز از عدم تفهیم و تفهّم بدتر نه هر کس گیر کرده، می داند چگونه انسان متحیر می ماند، هیچ نمی داند چه بکند، از هر چیز باز می ماند. اما چون وحدت لسان حاصل شود همه مشکلات حلّ گردد. الحمد لله لسان اسپراتو پیدا شده و این از خصائص این قرن و از اعظم مشروعات است. تا به حال عالم انسانی این استعداد نداشت در قرون ماضیه فی الحقیقه به خاطر نمی آمد و ممکن نبود، زیرا اسباب معاشرت و ذهاب و ایاب

اینگونه فراهم نبود. حال وسائط نقلیه و ارتباط از هر گونه بسیار، لهذا ترویج لسان واحد در جمیع ممالک ممکن.

حضرت بهاء الله پنجاه سال پیش کتاب اقدس را مرقوم فرمود از جمله تعالیم الهیه در آن کتاب اقدس این است که باید یک لسان عمومی ایجاد شود و در جمیع مدارس تعلیم گردد و فوائد آن چنین و چنان است. حال الحمد لله زبان اسپرانتو اختراع شده. لهذا من می گویم که جمیع بهائیان شرق تحصیل کنند عنقریب در شرق انتشار خواهد یافت و خواهش دارم نهایت اهتمام در تحصیل و ترویج آن بنمائید. زیرا یومی را که انبیا بیان کرده اند، یوم وحدت عالم انسانی است که گرگ و میش از یک چشمه بنوشند، شیر و آهو در یک چراگاه بچرند، یعنی امم مختلفه باهم الفت نمایند، ادیان متضاده متحد شوند، و الا گرگ و میش هرگز باهم نچرند. میش همیشه غذای گرگ بوده، اگر گرگ ندرد و نخورد می میرد. پس مقصد نفوس مختلفه و مذاهب و اجناس متنوعه است که باهم الفت نمایند و متحد شوند. امروز آن روز است؛ پس هر چه سبب اتحاد است، خویست و نافع و اعظم وسیله وحدت لسان است که عالم انسانی را عالم واحد کند، سوء تفاهم ادیان را زائل نماید شرق و غرب را دست در آغوش یکدیگر دهد. وحدت لسان عالم را یک عائله کند، وحدت لسان اوطان بعیده را وطن واحد کند و قطعات خمسه را قطعه واحده، زیرا لسان یکدیگر را می دانند و این سبب می شود که نادانی از میان می رود. هر طفلی به این سبب تحصیل علوم می کند و محتاج به دو لسان و بس؛ یکی لسان وطنی، یکی لسان عمومی. میکن به جائی برسد که به لسان وطنی هم محتاج نماند. دیگر چه موهبتی اعظم از این است و چه راحتی برای انسان بهتر از این عالم انسانی جنت می شود، چنانچه می گویند لسان اهل جنت لسان واحد است، عالم ناسوت آئین ملکوت گیرد اکتشافات بسیار شود، اختراعات تزايد نماید، صنایع ترقی کند، فلاح ترقی یابد، زیرا ملل از یکدیگر بی خبر نمانند. چون لسان لسان واحد است، شرق از فیوضات غرب استفاضه کند، غرب از انوار شرق منور شود. خلاصه به این سبب، عالم انسانی عالم دیگر شود، ترقیات فوق العاده حاصل گردد. یک مملکت وقتی لسان یکدیگر را ندانند، چقدر مشقت دارند و اگر بدانند، چقدر سهولت در امور یابند.

لذا امیدوارم این لسان اسپرانتو به زودی تعمیم و در جمیع عالم انتشار یابد تا کل در نهایت الفت و یگانگی زندگی نمایند.

